



بوعلی سینا عقل و برهان را برای شناخت هستی کافی می‌دانست

یک استاد دانشگاه خوارزمی با اشاره به اینکه بوعلی سینا جهان هستی را دو طبقه عالم عقول و عالم ماده می‌دانست گفت: بوعلی سینا بر این عقیده بود که ما عالمی قبل از عالم طبیعت نداریم که موجودات در آن زندگی کرده و از آنجا به عالم ماده تنزل پیدا کرده باشند و این خلاف نظر شیخ اشراق و ملاصدرا بود.

یک استاد دانشگاه خوارزمی با اشاره به اینکه بوعلی سینا جهان هستی را دو طبقه عالم عقول و عالم ماده می‌دانست گفت: بوعلی سینا بر این عقیده بود که ما عالمی قبل از عالم طبیعت نداریم که موجودات در آن زندگی کرده و از آنجا به عالم ماده تنزل پیدا کرده باشند و این خلاف نظر شیخ اشراق و ملاصدرا بود.

حجت الاسلام دکتر محمدرضا مصطفی پور با بیان اینکه فلسفه، علم هستی‌شناسی است و بوعلی سینا با عقل و استدلال و برهان هستی را مورد بررسی قرار می‌داد، درباره مبنای فلسفه مشاء به خبرنگار مهر گفت: فلسفه مشاء، فلسفه‌ای است که از روش عقل، استدلال و برهان برای اثبات مدعیات خود استفاده می‌کند. به این معنی که در فلسفه مشاء با روش عقل، برهان و استدلال هر آنچه که عنوان هستی به آن اطلاق می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

وی با بیان اینکه در فلسفه اشراق در وهله اول باید تزکیه نفس صورت گیرد و در مرحله بعد از عقل و استدلال بهره گرفت، در توضیح آن گفت: مبنای فلسفه اشراق بر این بود که استفاده صرف از عقل ممکن است مسیر دستیابی به حقایق را با انحراف روبرو کند. از همین رو برای ممانعت از بروز این انحراف، قبل از استفاده از عقل باید به تزکیه نفس یا به اصطلاح پاک کردن دل بپردازیم. در صورتی که تزکیه نفس به سرانجام برسد می‌توانیم با استفاده از عقل به فهم درست از حقایق و شناخت درست از جهان هستی دست یابیم. شیخ اشراق بر این عقیده بود که انسان نباید این تلقی را داشته باشد که به صورت مستقل می‌تواند به علم دسترسی پیدا کند. معلم حقیقی بشر خداوند است، برای دستیابی به علمی که خداوند معلم آن است در وهله اول باید ذهن و عقل را آماده کرد، سپس نور علم از سوی خداوند بر قلب فرد اشراق می‌شود. آن وقت فرد می‌تواند آن یافته‌ها را با استفاده از عقل به درستی درک کند.

استاد دانشگاه خوارزمی درباره وجه تمایز فلسفه مشاء و اشراق یادآور شد: تفاوت عمده فلسفه مشاء و اشراق در استفاده از تعبیر است. به عنوان مثال در کتاب‌های شیخ اشراق، به جای عناوینی مثل وجود و ماهیت و ... از واژه نور و ظلمت استفاده شده است. منظور از «نور« همان مفهوم «وجود« است و منظور از کلمه «ظلمت«، «ماهیت« است. شیخ اشراق در کتاب خود همواره از عبارات نور و انوار استفاده کرده و عقل، خداوند و وجود را جزو انوار به شمار می‌آورد.

حجت الاسلام مصطفی پور افزود: نکته‌ای که در مورد بوعلی سینا مورد نقد قرار می‌گیرد و در مورد شیخ اشراق این مسئله مطرح نیست مبحثی از متون افلاطون است که شیخ اشراق آن را پذیرفته اما بوعلی آن را قبول نکرده است. بوعلی سینا بر این عقیده بود که ما عالمی قبل از عالم طبیعت نداریم که موجودات در آن زندگی کرده و از آنجا به عالم ماده تنزل پیدا کرده باشند. در همین زمینه مبحثی دارند در ارتباط با طبقه بندی هستی. عده‌ای از فلاسفه معتقدند که جهان هستی سه طبقه و برخی فلاسفه می‌گویند جهان هستی دو طبقه دارد. به عنوان مثال بوعلی سینا جهان هستی را دو مرحله‌ای می‌دانست؛ عالم عقول و عالم ماده و طبیعت.

وی تصریح کرد: اما شیخ اشراق معتقد بود که عالم هستی از سه طبقه تشکیل شده است، کما اینکه ملاصدرا نیز طبقه بندی شیخ اشراق را می‌پذیرفت. بر اساس طبقه بندی شیخ اشراق، هستی تشکیل شده از عالم عقول و مجردات، عالم مثال و برزخ و عالم ماده و طبیعت و موجودات بایستی این طبقات را یک به یک طی کنند. اینها تفاوت‌هایی است که میان فلسفه اشراق و مشاء وجود دارد.